

پیوست شماره ۲
« چکیده پایان نامه »

نام خانوادگی: پیشرو نصرآباد سفلی	نام : نظر
عنوان پایان نامه: بررسی عوامل اجتماعی-اقتصادی موثر بر بزهکاری نوجوانان پسر (شهر اهواز)	
استاد راهنما: دکتر کریم رضادوست	
درجه تحصیلی: کارشناسی ارشد	رشته: علوم اجتماعی
محل تحصیل (دانشگاه): شهید چمران اهواز	گرایش: جامعه شناسی
دانشکده: اقتصاد و علوم اجتماعی	
تاریخ فارغ التحصیلی: ۱۳۸۷/۶/۲۵	تعداد صفحه: ۱۴۶
کلید واژه ها: بزهکاری نوجوانان، پایگاه اجتماعی-اقتصادی، محرومیت نسبی، عزت نفس، بی قدرتی، کنترل والدین، دوستان بزهکار	
<p>چکیده:</p> <p>پژوهش حاضر با هدف " بررسی عوامل اجتماعی - اقتصادی موثر بر بزهکاری نوجوانان پسر شهر اهواز " انجام گردید. روش تحقیق در این پژوهش از نوع پیمایشی می باشد و جمعیت آماری این تحقیق را نوجوانان بزهکار کانون اصلاح و تربیت شهر اهواز سنین ۱۳ تا ۱۸ سال تشکیل می دهند، که تعداد آنها ۶۰ نفر بوده و به صورت تمام شماری مورد بررسی قرار گرفتند.</p> <p>نتایج نشان داد که، متغیرهای پایگاه اجتماعی - اقتصادی، میزان نظارت والدین، وابستگی به والدین، محرومیت نسبی، بی قدرتی، بی هنجاری، عزت نفس و احساس از خود بیگانگی رابطه معنی داری با شدت بزهکاری دارند. ولی تأثیر متغیرهای جرائم اعضای خانواده، خانواده گسسته و معاشرت با دوستان بزهکار در این تحقیق تأیید نشدند. نتایج تحقیق نشان دهنده توانمندی نظریه های آنومی مرتن، کوهن، سیمن و نظریه کنترل اجتماعی می باشد.</p>	

تقدیم به

پدر بزرگوارم

مادر دلسوزم

همسر مهربانم

و

برادران و خواهران عزیزم

تشکر و قدر دانی

خداوند سبحان را سپاس می گویم که به من توفیق کوشش در راه کسب علم و دانش را عطا فرمود. اینک که در پرتو لطف بیکران خداوند، این رساله به پایان رسیده بر خود لازم می دانم از تمامی کسانی که مرا در این راه یاری نموده اند سپاسگزاری نمایم.

با تشکر فراوان از استاد راهنمای محترم، جناب آقای دکتر کریم رضادوست و استاد مشاور محترم، جناب آقای دکتر سید عبدالحسین نبوی، که مرا در مراحل مختلف این پایان نامه راهنمایی و مشاوره نمودند و همچنین از زحمات داوران محترم، جناب آقای دکتر حسین زاده و خانم دکتر باقری و استاد ناظر محترم جناب آقای دکتر نوح، تشکر و قدر دانی می نمایم. همچنین از دوست عزیزم جناب آقای سجاد پناهپور دانشجوی کارشناسی علوم اجتماعی دانشگاه شهید چمران اهواز و همکلاسی و دوست عزیزم جناب آقای ایرج تامرادی که در این زمینه نهایت مساعدت و همکاری را با اینجانب داشته اند تشکر و قدر دانی می نمایم.

نظر پیشرو

شهریور ۸۷

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
فصل اول: کلیات	
۱-۱ مقدمه	۱
۱-۲ بیان مسئله	۳
۱-۳ اهمیت پژوهش	۵
۱-۴ مسائل اجتماعی	۷
۱-۴-۱ نظم اجتماعی	۱۰
۱-۴-۱-۱ جنبه های نظم اجتماعی	۱۲
۱-۴-۲ جرم	۱۳
۱-۴-۳ انحراف اجتماعی	۱۵
۱-۴-۴ بزهکاری	۱۷
۱-۴-۴-۱ انواع بزهکاری	۲۰
۱-۵ تعریف مفاهیم و واژه ها	۲۰
آسیب شناسی اجتماعی	۲۰
جرم	۲۱
انحراف	۲۱
بزهکاری	۲۱
بزهکار	۲۱
پایگاه اجتماعی - اقتصادی	۲۲
بی هنجاری	۲۲
محرومیت نسبی	۲۲
نظارت اجتماعی	۲۲
وابستگی یا علاقه نسبت به والدین	۲۳
عزت نفس	۲۳
از هم گسیختگی خانواده	۲۳
احساس بی قدرتی	۲۳
گروه همسالان	۲۳
۱-۶ اهداف پژوهش	۲۴
۱-۶-۱ هدف کلی	۲۴
۱-۶-۲ اهداف جزئی تحقیق	۲۴
فصل دوم: پیشینه و مبانی نظری تحقیق	
۲-۱-۱ مقدمه	۲۵
۲-۱-۲ مروری بر مطالعات داخلی	۲۵
۲-۱-۳ ارزیابی مطالعات داخلی	۳۲
۲-۱-۴ مروری بر مطالعات خارجی	۳۳

۳۶ ارزیابی مطالعات خارجی
۳۷ نتیجه گیری
۳۷ چارچوب نظری تحقیق
۳۹ مروری بر نظریه های انحرافات
۳۹ نظریه های زیست شناختی و روان شناختی انحراف
۳۹ تبیین های زیست شناختی اولیه (تأکید بر خصوصیات فیزیکی)
۴۰ کتله
۴۰ لمبروزو
۴۱ شلدن
۴۲ تبیین های زیست شناختی جدید
۴۳ تبیین های روانشناختی و روانکاوی
۴۴ فروید (شخصیت و انحراف)
۴۵ فرویدی های جدید
۴۶ نظریه های جامعه شناختی انحراف
۴۶ نظریه های بی سازمانی اجتماعی
۴۷ دورکیم (نظریه آنومی)
۵۱ مرتن
۵۷ پارسونز (کنش اجتماعی و آنومی)
۵۸ پارک و برگس (نظریه بوم شناختی)
۵۸ پارک
۵۹ برگس
۶۰ شاو و مک کی
۶۱ تضاد نظریه های تضاد
۶۲ مارکس
۶۴ ولد
۶۵ ترک
۶۶ کوئینی
۶۷ نظریه های خرده فرهنگی
۶۷ کوهن: پسران بزهکار (ناکامی منزلتی)
۷۰ نظریه کلووارد و اوهلین (فراوانی فرصت های نابرابر یا فرصت افتراقی)
۷۳ نظریه میلر: فرهنگ طبقه پایین (فرهنگ جرم زا)
۷۵ ماتزا (نظریه خنثی سازی)
۷۸ نظریه های روان شناسی اجتماعی انحراف
۷۸ نظریه کنترل
۷۹ کنترل های شخصی
۸۱ نظریه هیرشی (کنترل اجتماعی)
۸۴ نظریه های یادگیری اجتماعی
۸۵ نظریه ساترلند (فراوانی معاشرت یا یادگیری افتراقی)
۸۸ نظریه تقلید

۹۰ نظریه کنش متقابل اجتماعی
۹۱ نظریه بکر و لمرت (نظریه برچسب زنی)
۹۵ پدیدار شناسی و انحراف
۹۶ نظریه های بیگانگی
۹۷ بیگانگی در آثار کلاسیک
۹۷ مارکس
۹۸ وبر
۹۹ زیمل
۱۰۰ فروم
۱۰۱ سیمن
۱۰۴ چارچوب نظری منتخب
۱۰۹ فرضیات تحقیق
فصل سوم: روش شناسی	
۱۱۰ روش تحقیق
۱۱۰ تعیین تکنیک تحقیق
۱۱۲ ابزار جمع آوری اطلاعات
۱۱۲ ساخت پرسشنامه
۱۱۳ شیوه جمع آوری اطلاعات
۱۱۴ واحد تحلیل
۱۱۴ جمعیت آماری و نمونه
۱۱۵ اعتبار و روایی
۱۱۵ اعتبار
۱۱۶ روایی
۱۱۶ نحوه پردازش اطلاعات
۱۱۷ تعریف و سنجش متغیرها
۱۱۸ متغیرهای مستقل
۱۱۸ پایگاه اجتماعی - اقتصادی
۱۱۹ جرائم اعضای خانواده
۱۱۹ خانواده گسسته
۱۲۰ احساس بی هنجاری
۱۲۱ میزان نظارت والدین
۱۲۲ معاشرت با دوستان بزهکار
۱۲۳ وابستگی یا علاقه نسبت به والدین
۱۲۳ احساس بی قدرتی
۱۲۴ احساس محرومیت نسبی
۱۲۵ عزت نفس
۱۲۵ احساس از خود بیگانگی
۱۲۶ متغیر وابسته
۱۲۶ بزهکاری

فصل چهارم: توصیف و تجزیه و تحلیل داده ها

- ۴-۱- توصیف یافته ها..... ۱۲۷
- ۴-۱-۱- متغیر سن ۱۲۷
- ۴-۱-۲- متغیر سواد..... ۱۲۸
- ۴-۲ : تجزیه و تحلیل داده ها..... ۱۳۰
- ۴-۲-۱- فرضیه اول: آزمون رابطه بین متغیر پایگاه اجتماعی- اقتصادی و متغیر شدت بزهکاری..... ۱۳۰
- ۴-۲-۲- فرضیه دوم: آزمون رابطه بین متغیر جرائم اعضای خانواده و متغیر شدت بزهکاری..... ۱۳۰
- ۴-۲-۳- فرضیه سوم: آزمون رابطه بین متغیر خانواده گسسته و متغیر شدت بزهکاری..... ۱۳۱
- ۴-۲-۴- فرضیه چهارم: آزمون رابطه بین متغیر احساس بی هنجاری و شدت بزهکاری..... ۱۳۱
- ۴-۲-۵- فرضیه پنجم : آزمون مربوط به رابطه متغیر میزان نظارت والدین و متغیر شدت بزهکاری..... ۱۳۳
- ۴-۲-۶- فرضیه ششم : آزمون رابطه متغیر معاشرت با دوستان خلافکار و متغیر شدت بزهکاری..... ۱۳۲
- ۴-۲-۷- فرضیه هفتم : آزمون رابطه متغیر وابستگی به والدین و متغیر شدت بزهکاری..... ۱۳۳
- ۴-۲-۸- فرضیه هشتم : آزمون مربوط به رابطه متغیر احساس بی قدرتی و متغیر شدت بزهکاری..... ۱۳۴
- ۴-۲-۹- فرضیه نهم : آزمون مربوط به رابطه متغیر میزان محرومیت نسبی و متغیر شدت بزهکاری..... ۱۳۴
- ۴-۲-۱۰- فرضیه دهم : آزمون مربوط به رابطه متغیر عزت نفس و متغیر شدت بزهکاری..... ۱۳۵
- ۴-۲-۱۱- فرضیه یازدهم : آزمون مربوط به رابطه متغیر احساس از خود بیگانگی و متغیر شدت بزهکاری..... ۱۳۵
- ۴-۳- معادله رگرسیونی پیش بینی شدت بزهکاری..... ۱۳۶
- ۴-۴- مدل روابط علی متغیرهای مستقل و متغیر وابسته..... ۱۳۷
- ۴-۵- مقدار همبستگی تفکیکی بین متغیر وابسته و متغیرهای مستقل..... ۱۳۸

فصل پنجم: بحث و نتیجه گیری

- ۵-۱- تأملی در نتایج تحقیق ۱۴۰
- ۵-۲- محدودیت های تحقیق ۱۴۶
- ۵-۳- پیشنهادات ۱۴۶

فهرست جداول

عنوان	صفحه
جدول ۴-۱: توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب سن	۱۲۷
جدول ۴-۲: آمارهای توصیفی مربوط به متغیر سن	۱۲۸
جدول ۴-۳: توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب متغیر سواد	۱۲۹
جدول ۴-۴: آماره های توصیفی مربوط به متغیر سواد	۱۲۹
جدول ۴-۵: شاخص همبستگی پیرسون بین متغیر پایگاه اجتماعی- اقتصادی و متغیر شدت بزهکاری	۱۳۰
جدول ۴-۶: شاخص همبستگی پیرسون بین متغیر جرائم اعضای خانواده و متغیر شدت بزهکاری	۱۳۱
جدول ۴-۷: شاخص همبستگی پیرسون بین متغیر خانواده گسسته و متغیر شدت بزهکاری	۱۳۱
جدول ۴-۸: شاخص همبستگی پیرسون بین متغیر احساس بی هنجاری و متغیر شدت بزهکاری	۱۳۲
جدول ۴-۹: شاخص همبستگی پیرسون بین متغیر میزان نظارت والدین و متغیر شدت بزهکاری	۱۳۲
جدول ۴-۱۰: شاخص همبستگی پیرسون بین متغیر معاشرت با دوستان خلافکار و متغیر شدت بزهکاری	۱۳۳
جدول ۴-۱۱: شاخص همبستگی پیرسون بین متغیر وابستگی به والدین و متغیر شدت بزهکاری	۱۳۳
جدول ۴-۱۲: شاخص همبستگی پیرسون بین متغیر احساس بی قدرتی و متغیر شدت بزهکاری	۱۳۴
جدول ۴-۱۳: شاخص همبستگی پیرسون بین متغیر میزان محرومیت نسبی و متغیر شدت بزهکاری	۱۳۴
جدول ۴-۱۴: شاخص همبستگی پیرسون بین متغیر عزت نفس و متغیر شدت بزهکاری	۱۳۵
جدول ۴-۱۵: شاخص همبستگی پیرسون بین متغیر احساس از خود بیگانگی و متغیر شدت بزهکاری	۱۳۶
جدول ۴-۱۶: تجزیه واریانس رگرسیون شدت بزهکاری بر حسب عوامل مستقل	۱۳۷

۱-۱ مقدمه

انسانها در فراز و نشیب تاریخ همیشه از دردها و آسیب های اجتماعی بسیاری رنج برده اند و همواره در جستجوی یافتن علل و انگیزه های آنها بوده اند تا راهها و شیوه هایی را برای رهایی از آنها بیابند. در این بین گروهی که بیش از سایر قشرها در جامعه گرفتار بزهکاریها می گردند نوجوانان و جوانان می باشند. از آنجا که نوجوانان و جوانان حامل ارزشهای نو هستند آنها را می توان دماسنج هایی تلقی کرد که تغییرات اجتماعی را می توان با آنها اندازه گیری کرد. البته برخی این قشر از جامعه را معیاری برای تشخیص آسیب و بیماریهای اجتماعی می دانند و لذا قشر نوجوان و جوان به واسطه روحیه نوجویی و استعداد خود بیشتر در معرض تغییرات قرار می گیرند (جلالی، ۱۳۸۵: ۱).

ترس و وحشت از سلاحهای اتمی، میکروبی، شیمیایی و لیزری، قرن بیستم را به قرن اضطراب و تشویش مبدل ساخته، اوضاع آشفته ای در نظام نوین جهانی بوجود آورده است. عدم تأمین اجتماعی و فشار روانی ناشی از تهدیدات قدرتهای سلطه گر از یک سو و گرایش به مادیات و منافع شخصی برای زندگی مرفه از سوی دیگر، سبب آوارگی و مهاجرت میلیونها نفر از زادگاه و موطن اصلیشان شده است. عواقب وخیم ناشی از این مهاجرتها و از بین رفتن محبت و همدردی در اکثر جوامع، زمینه را برای بروز حالت خطرناک و انحرافات و ارتکاب جرائم مستعد و آماده می نماید. اثرات عوامل مذکور در اطفال و جوانان بیش از بزرگسالان است. در تلاش برای تحقق بخشیدن به خواسته های درونی و ارضای خاطر خویش، به اعمالی دست می زنند که گاهی با مخاطرات مواجه می گردند، هرگاه وضع محیط خانوادگی توأم با اتحاد و اتفاق و همبستگی نباشد و در ضمن اطفال و نوجوانان هادی و حامی و راهنمایی نیز نداشته باشند در مظان ارتکاب جرائم مختلف قرار می گیرند (دانش، ۱۳۷۶ : ۲).

در جوامع پیشرفته و یا صنعتی امروزی که خود را اسیر تکنولوژی نموده و یا در جوامعی که فقر و محرومیت های اجتماعی گریبان مردم را گرفته است و یا در جوامعی که بیکاری و تورم بیداد می کند، در همه این گونه جوامع انسانها از خود و از دیگران بیگانه می شوند و روابط انسانی را فراموش می کنند. تجاوز، سرکشی، عصیان، کلاهبرداری، سرقت و آدم کشی با شدت و بیرحمی هرچه بیشتر پدیدار می گردد و مردم اینگونه جوامع را وحشت زده و هراسناک می نماید تا به حدی که همه از هم می ترسند و یا به هم اعتماد ندارند. وقایع خونین و مرگبار هر روز بیشتر و شدیدتر می شود در حالی که اکثر مردم جوامع امروزی نسبت به گذشته از آموزش های جدید، بیشتر برخوردارند پس باید کمتر مرتکب چنین اعمال غیر انسانی شوند. هر روز تجاوز به حقوق فردی و اجتماعی مردم بیشتر می شود. فرزندکشی، همسرکشی، ممنوع کشی و دیگر جنایاتی که شرح شان را از جراید و رسانه های گروهی می خوانیم و می بینیم، همه و همه نشان بی ثباتی اجتماعی و ضعف روابط و اصول انسانی و اخلاقی است (فرجاد، ۱۳۶۹: ۲۳).

ایران نیز به عنوان یک کشور در حال توسعه همچنان با مسائل و چالش های متعدد دوران انتقال مواجه است. مسائلی که در نتیجه تضاد زندگی به شکل گذشته و سنتی با نیازهای ناشی از هجوم زندگی جدید و مدرن است. عدم تعادل بین زندگی گذشته و نیازهای حال و آینده باعث بروز بی نظمی و چالش هایی از قبیل: ناکارآمدی آموزش و پرورش، بیکاری، فقر و نابرابری، افزایش بی رویه جمعیت، مهاجرت روستائیان به شهرها، فرار مغزها، بی هویتی، توسعه ناپایدار، آسیب های اجتماعی از قبیل طلاق، اعتیاد، خودکشی، فرار دختران و خشونت جوانان شده است (میری آشتیانی، ۱۳۸۲: ۳۶-۳۵).

بطور کلی بزهکاری یکی از مسائلی است که تبدیل شدن جوامع سنتی با ساختاری مکانیکی، تقسیم کار محدود، ارتباطات رودر رو، عدم تمایز و وجود احساسات و عواطف شدید به جوامع صنعتی با ساختار ارگانیکی، تقسیم کار پیچیده، ارتباطات غیر مستقیم، تمایز (نابرابری) و کم رنگ

شدن عواطف و احساسات و جایگزینی منافع بجای آنها که ناشی از عواملی چون صنعتی شدن، شهرنشینی و رشد بی رویه جمعیت و غیره است به آن شدت بخشیده است. گونه های مختلف اجتماعی شدن، تغییر نقش کودکی به نوجوانی، رها شدن از وابستگی به والدین و اطاعت از آنها و شکل گیری تفکر مستقل در نوجوان او را به یافتن تکیه گاهی خارج از خانواده سوق می دهد. از آنجا که، جوامع به سرعت در حال تغییر و دگرگونی هستند این قشر از جامعه را که با کنجکاوی و تفحص به دنبال یافتن هویت هستند و نمی توانند خود را با این تغییرات سریع وفق دهند دچار سرگردانی و بی هویتی می نماید. بنابراین آنها که خود را در رسیدن به اهدافشان ناکام می بینند هنجارها و ارزشهای موجود را مانع رسیدن به اهداف خود می دانند و آنها را نقض می نمایند.

۱-۲ بیان مسئله

بزهکاری نوجوانان پدیده ی اجتماعی- جهانی است، گرچه جوامع گوناگون بر حسب وضعیت اقتصادی و اجتماعی خود با انواع متفاوتی از آن روبرو هستند. در همه جوامع انسانی، اصطلاح بزهکار در مورد افرادی به کار برده می شود که اعمالی خلاف قانون یا موازین مذهبی آن جامعه انجام می دهند. با توجه به اینکه احکام در جامعه های گوناگون متفاوت است، فرد متخلف در یک جامعه، ممکن است در جامعه ای دیگر از تخلف بری باشد (پیکا، ۱۳۷۰: ۸).

بزهکاری مجموعه ای از جرایمی است که در یک زمان و مکان معین به وقوع می پیوندد. به همین سبب، زمانی که این پدیده مورد بررسی قرار می گیرد، در حقیقت کلیه پدیده های اقتصادی، فرهنگی، بهداشتی، سیاسی، مذهبی، خانوادگی و مانند آن را در جامعه شامل می شود. ژامبومرلن^۱ می نویسد بزهکاری پدیده ای است که بدون توجه به بزهکار، می توان آنرا مورد بررسی قرار داد و تراکم جرم، اهمیت گونه های مختلف جرایم، تغییرات اجتماعی جرایم را از نظر

۱-J.Merlin

مکان، زمان، نژاد، مذهب و... دقیقاً تحقیق کرد (مظلومان، ۱۳۵۳: ۱۱۴). در ایران بزهکاری به کل جرایمی گفته می شود که در صورت ارتکاب، به موجب قوانین قصاص، دیات، حدود و تعزیرات دارای مجازات هستند (ستوده، ۱۳۷۹: ۷۱).

یکی از مسائل پیچیده و ناراحت کننده فعلی که توجه بسیاری از محققین، جامعه شناسان، جرم شناسان و روانشناسان و متخصصین امر را به خود معطوف داشته موضوع مجرمین کم سن و سال یا اطفال و نوجوانان بزهکار می باشد که روز به روز هم گسترش بیشتری می یابد و مخصوصاً باید افزود که این تزايد و گسترش غالباً در کشورهای بی چشم می خورد که از لحاظ اقتصادی در سطح کاملاً پیشرفته ای قرار دارند (شامبیاتی، ۱۳۷۴: ۱۱).

بطور کلی در بحث بزهکاری نوجوانان دو سؤال مطرح می شود: نوجوان چه کسی است؟ و بزهکاری چیست؟ در پاسخ به سؤال اول عمدتاً از معیار سن استفاده می شود. در سراسر جهان قوانینی که به بزهکاری نوجوانان مربوط می شوند، یک حد سنی را مشخص می کنند. چنانچه فردی در آن محدوده ی سنی نباشد دیگر رویه ها و سنجه هایی که مربوط به بزهکاری نوجوانان است در مورد او مصداق پیدا نمی کند. این حد سنی در کشورهای مختلف متفاوت است. در کشور آمریکا حد سنی از یک ایالت تا ایالت دیگر متفاوت است. در اروپا نیز همین گونه است. به طور مثال معیار تشخیص نوجوان در بلژیک ۱۶ سال و در سوئد ۲۱ سال است. در آسیا نیز از ۱۵ سال در برخی کشورها مثل سری لانکا، لبنان و هندوستان تا ۲۰ سال در ژاپن متغیر است (حسینی نثار، ۱۳۸۳). در ایران ماده ۱۹ آئین نامه اجرایی سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور که در ۲۶ تیرماه ۱۳۸۰ به تصویب قوه قضائیه رسیده به این مسأله توجه کرده است. طبق این ماده: «کانون اصلاح و تربیت مرکزی است که اطفال و نوجوانان بزهکار کمتر از ۱۸ سال تمام در آنجا برای اصلاح، تربیت، آموزش و نگهداری می شوند.» (نوربها، ۱۳۸۴: ۳۰۱).

پاسخ به سؤال دوم به مراتب مشکل تر است زیرا واژه ی بزهکاری از ابهام بیشتری برخوردار است و معانی گوناگونی به آن نسبت داده می شود. کلمه ی delinquency از کلمه لاتین delinquere به معنای فراموشی و غفلت گرفته شده است و اصطلاحاً به این معنا است که معیارهای پذیرفته شده ی رفتاری در یک جامعه ی مشخص از سوی عده ای از نوجوانان مورد غفلت قرار بگیرد (حسینی نثار، ۱۳۸۳).

کشور ما به عنوان یکی از کشورهای در حال توسعه با معضلات مختلفی در حوزه ی شهر، به خصوص شهرهای بزرگ مواجه است. لذا با توجه به فعال بودن نیروی جوان کشور و نقش کلیدی آنان در ساختن آینده مملکت پرداختن به مسائل اجتماعی آنان از اهمیت درخور توجهی برخوردار است. شهرها همواره با بسیاری از مسائل پاتولوژی شهری که بعنوان عامل مستعد کننده یا موجد عدم سلامت روانی شناخته شده اند ارتباط دارند و جامعه شناسان از زندگی شهری و روحیه شهرنشینی به عنوان یک نحوه خاص زندگی نام می برند (محسنی، ۱۳۷۵: ۲۴۷).

کمبود مسکن، کمبود امکانات رفاهی و تفریحی و همینطور تشدید تناقضات بین نسل ها، جایگزینی خشونت و پرخاشگری به جای انس و الفت، فقدان پیوند و همبستگی و بی اعتنایی به معنویات در شهرها بیشتر از همه اطفال و نوجوانان را که دارای طبعی انعطاف پذیر هستند تحت تأثیر قرار می دهد لذا با توجه به نقش کلیدی نوجوانان در ساختن آینده مملکت باید مسائل اجتماعی آنان در کانون توجه قرار گیرد.

۳-۱- اهمیت پژوهش

مطالعه رفتار انحرافی یکی از جذاب ترین وظایف جامعه شناسی است. این حوزه تحلیل جامعه شناسی پیچیده است چرا که به همان اندازه ارزشها و هنجارهای اجتماعی انواع فراوان تخلف از قانون نیز وجود دارد (گیدنز، ۱۳۷۴: ۱۳۸). از نظر دورکیم بنیانگذار علم جامعه شناسی در هر جامعه انسانی جرم بروز می کند و جرم یک پدیده طبیعی - اجتماعی است ولی وقتی از یک

حدی تجاوز کرد می توان آن را بیماری اجتماعی نامید. از آنجا که بین ناهنجاریهای اجتماعی همبستگی متقابلی وجود دارد یک ناهنجاری موجب رشد سایر آسیب ها می شود، ضرورت دارد آسیب های اجتماعی و ارتباط بین آنها مورد بررسی قرار گرفته و ریشه یابی شوند تا بتوان با توجه به علل بوجود آورنده و تشدید کننده، این آسیب ها را مهار نمود (محمدی، ۱۳۸۳: ۱۹).

نوجوانان درست زمانی که باید مسئولیت پذیر شوند آنها کنار می گذارند. در حال حاضر سطح مسئولیت پذیری میان جوانان به شدت پایین آمده است، چون مسئولیت پذیری را از بزرگسالان نیاموخته اند. پس نسبت به قوانین و عرف اجتماعی نیز احساس مسئولیت نمی کنند، این افت و شانه خالی کردن از مسئولیت را در همه جوامع و کشورها با اندکی تأمل می توان مشاهده کرد. با توجه به موارد فوق، ضرورت توجه به کجروی ها و بزهکاری نوجوانان و جوانان کاملاً آشکار می گردد. چرا که با تغییرات جسمانی که در دوره نوجوانی اتفاق می افتد، می توان گفت که نوجوانی دوره بحران است و زمان شورش و قیام مکرر، همچنین عصر تغییر عقاید مذهبی و ایدئولوژی اوست، هر قدر به شناخت بیشتر خود و محیطش برسد به همان نسبت توقعش بیشتر می گردد (قائمی، ۱۳۸۶).

طبیعی است در همه جوامع، سطحی از قانون شکنی ها و انحرافات وجود دارد، چیزی که مهم است طریقه ی رویارویی با آنهاست. جامعه ای موفق است که بتواند انحرافات و علل آنها بشناسد و پس از مطالعه گسترده روی آن تصمیم گیری نماید و آنها را کنترل کند. اگر هیچ کاری برای رفتار ضد اجتماعی جوانان صورت نگیرد، جوان بزهکار امروز، مجرم فردا است (احمدی، ۱۳۷۷: ۱۲). از آنجا که نیروی انسانی مهمترین عامل توسعه اقتصادی – اجتماعی یک جامعه است و از آنجا که نوجوانان نیروی انسانی آینده یک جامعه و سازندگان آینده آن می باشند و نیز نوجوانانی که گرفتار بزهکاری می شوند فرصت های جبران نشدنی از جمله تحصیل و کار را از دست می دهند و همچنین سابقه و پیشینه نامطلوبی می شود برای زندگی آینده آنها و آنها را در جامعه منزوی و

مطرود می نماید، رنج و ناراحتی خانواده های نوجوانان بزهکار به نوبه خود باعث به مخاطره افکندن سلامت جامعه، و شاید ایجاد تنش های میان خانواده های افراد بزهکار، همسایگان و دیگران شود، از طرفی این مسئله بخاطر مخارج سنگین، وقت و هزینه و نیرویی که دولت ها صرف حل آن می کنند بسیار اهمیت دارد (مشکانی و مشکانی، ۱۳۸۱).

همینطور از آنجا که رشد سریع شهرنشینی باعث ایجاد جاذبه های صنعتی، اقتصادی و خدماتی شده و اینچنین نوجوانان و جوانان دارای زمینه های فرهنگی متفاوت را به شهرها کشانده و زمینه مساعدی برای بزهکاری آنها فراهم آورده و همچنین با توجه به اینکه برای شناخت آسیب شناسی اجتماعی باید مواردی را که براساس مطالعات و تحقیقات پیشین مهم تشخیص داده شده اند مورد کنکاش و توجه بیشتری قرار داد (مواردی مانند مطالعه نظام فعلی خانواده و خطرات پیرامون آن از نظر اخلاقی و عاطفی، مطالعه و شناخت مناطق و گروههای آسیب پذیر، مطالعه عوامل رشد متقابل، فرایند شکل گیری و تحول شخصیت و هویت انسان، تعارض های فرهنگی در مهاجرت ها و نقش ساختارهای اجتماعی و اقتصادی در دو عرصه سنت و مدرنیته). (جلالی، ۱۳۸۵). لذا با توجه به مواردی که تاکنون مطرح شد بررسی مسئله بزهکاری نوجوانان و یافتن علل پیشگیری آن از اهمیت شایان توجهی برخوردار است.

۴-۱- مسائل اجتماعی^۱

مسائل اجتماعی جامعه پدیده هایی اجتماعی اعم از شرایط ساختاری و یا الگوهای کنشی هستند که در مسیر تحولات اجتماعی بر سر راه توسعه یعنی وضعیت موجود و وضعیت مطلوب مورد توجه مردم و گروههای اجتماعی قرار می گیرند و مانع تحقق اهداف و تهدید کننده ی ارزش ها و کمال مطلوب های آنها می شوند. این پدیده ها معمولاً به وسیله اندیشمندان اجتماعی به

۱-Social problems

عنوان موانع توسعه (نظیر خاص گرایی های فرهنگی و اجتماعی)، هزینه های توسعه (نظیر آلودگی محیط زیست) و آثار و تبعات عقب ماندگی (نظیر بی سوادی و خشونت) مورد شناسایی و ارزیابی قرار می گیرند. مسائل اجتماعی به عنوان پدیده هایی نامطلوب اذهان نخبگان و افکار عمومی مردم را به خود مشغول می دارند به طوری که نوعی وفاق و آمادگی جمعی برای مهار آنها پدید می آید که مقامات رسمی کشور را به چاره جویی و اقدام عملی در جهت اصلاح و یا رفع و پیشگیری از آنها وا می دارد (عبدالهی، ۱۳۸۳: ۱۲).

مسئله اجتماعی موقعیتی است مؤثر بر عده ی قابل توجهی از مردم که به گمان آنان و یا به گمان عده ی قابل توجهی از مردمان جامعه سرچشمه سختی و بدبختی به شمار می آید، ولی قابل بهبودی است. بنابراین مسئله اجتماعی هم از موقعیتی عینی و هم از یک سری تفاسیر اجتماعی ذهنی تشکیل می شود (میری آشتیانی، ۱۳۸۲: ۴۱).

مشکل با قید اجتماعی، به موقعیت تعدادی از افراد در قالب گروههای سازمان یافته یا غیر سازمان یافته اطلاق می شود که عمل آنها از طرف کل جامعه تأیید نمی شود و در صورت استمرار عمل گروهی، آسیب هایی برای کل جامعه ایجاد خواهد شد و افراد سعی دارند تا به رفع و یا کاهش اثرات آن بپردازند. جامعه شناسان کلاسیک مشکلات اجتماعی را موقعیت های دردناک یا غیر مطلوب برای توده واقعی مردم تلقی کرده اند.

ویژگیهای مسائل اجتماعی عبارتند از :

۱- مسائل اجتماعی چون امور اجتماعی دارای واقعیت عینی خارجی هستند که به عنوان جریان عمل اجتماعی پنداشته می شوند. مشکلات اجتماعی در یک پروسه عمل کنش و واکنش بین افراد، گروهها و دیگر عناصر اجتماعی ایجاد می شود و چگونگی توسعه آن به ماهیت کنش و واکنشهای اجتماعی بستگی دارد.

- ۲- امور ثابتی نیستند بلکه در جریان تحول قرار دارند و ممکن است در یک زمان یک امری مشکل باشد و در زمان دیگری خیر، و برعکس .
- ۳- مسائل اجتماعی به خودی خود اموری واقعی هستند ولی قبول یا عدم قبول آنها در طرح و بررسی مؤثر می باشد.
- ۴- مسائل اجتماعی از طرف گروهها و افراد جامعه نیز قبول و تأیید می شوند.
- ۵- مسائل اجتماعی بخشی از جامعه و در ارتباط با هنجارهای رسمی و غیر رسمی جامعه هستند و بخشی از حیات جمعی جامعه را تعیین می کنند.
- ۶- دورکیم، پارسونز و مرتن مسائل اجتماعی را اموری هنجاری و طبیعی و آن را لازمه حیات جامعه می دانند و تلاش جامعه شناسان، برنامه ریزان و مصلحان اجتماعی در جهت کاهش مسائل اجتماعی و افزایش سازگاری قاعده مندی اجتماعی است.
- ۷- انرژی مورد نیاز برای بررسی، شناخت و مقابله و رفع مسائل اجتماعی بسیار زیاد است.
- ۸- مسائل اجتماعی دارای دو جنبه عینی و ذهنی هستند. زیرا افراد گوناگون، درک و دریافت های گوناگونی از آن دارند.
- ۹- مسائل اجتماعی بر اساس واقعیت های مختلف از جمله زمان، مکان، موقعیت اجتماعی، فرهنگی، شرایط تاریخی و... متفاوتند (آزاد ارمکی، ۱۳۷۹: ۱۶-۱۴).

۱-۴-۱- نظم اجتماعی^۱

معنی لغوی نظم نسبتاً صریح و روشن است. نظم در لغت به معنی آرایش، ترتیب و توالی است. اما معنی نظم در حوزه های مختلف، متفاوت و نسبتاً مبهم است. این ابهام در حوزه اجتماعی و مطالعات جامعه شناختی نیز وجود دارد. ابهام مذکور دارای منشأ عینی و ذهنی است و ریشه آن را باید در سطح انضمامی تجربی و انتزاعی نظری جستجو کرد. در سطح انضمامی تجربی، نظم اجتماعی در معنای وسیع کلمه نسبی است، همان طور که تغییر اجتماعی در معنای وسیع کلمه نسبی است و این دو به اصطلاح در ارتباط کمی و کیفی با یکدیگر هستند. بنابراین، در سطح تجربی نظم در ارتباط با تغییر، کمیت و کیفیت خاص به خود می گیرد و تغییر نیز به همین ترتیب. این خود درک و پنداشت از نظم را مشکل و مبهم می سازد. از طرف دیگر در سطح تجربی، در مطالعات جامعه شناختی، نظم اجتماعی بیشتر از منظر ایدئولوژیک نگریسته شده تا از منظر معرفت شناختی و وجود شناختی. به عبارت دیگر، نظم اجتماعی قبل از آن که منزلت معرفت شناختی و وجود شناختی آن شناسایی شود، با منزلت ایدئولوژیک به آن نگریسته شده است. به این دلیل بعضی جامعه شناسان بویژه جامعه شناسان رادیکال که سودای تغییر در سر داشته اند، به این مفهوم توجهی نداشتند و یا در صدد نفی نظم موجود و آرایه آلترناتیو، برخوردی ایدئولوژیک با آن داشته اند (چلبی، ۱۳۷۵: ۳۱).

فعالیت روز مره ی انسانها در جامعه مبتنی بر نظم اجتماعی است و این نظم از طریق افراد و رفتار گروه های اجتماعی تداوم پیدا می کند. در حقیقت هر رفتار اجتماعی از طریق هنجارها و قوانین خاصی اداره می شود، و در اینجا منظور از هنجارها، استانداردهای رفتاری است که از طریق افراد و گروه های اجتماعی از همگان انتظار می رود (محسنی، ۱۳۷۶: ۲۷۹).

۱-social order

اساس نظم اجتماعی در این است که مردم بدانند دیگران از آنها چه انتظاری دارند و بتوانند رفتار دیگران را در اغلب موارد پیش بینی کنند. نظم اجتماعی در هر جامعه بر شبکه وسیعی از نقش ها استوار است. نقشهای اجتماعی هم وظایف افراد را در برابر یکدیگر تعیین می کند و هم حقوق آنها را برای واداشتن افراد به ایفای وظایف خود. نظم جامعه بر انجام وظایف براساس نقشها استوار است. جامعه از ابزار و فرایندهای خاصی استفاده می کند. مطالعه ابزار یاد شده برای جامعه شناسی مهم است. بی نظمی و نابهنجاری در جامعه زمانی پدید می آید که افراد به وظایف خود عمل نکنند و یا نسبت به وظایف خود آگاه نباشند (سخاوت، ۱۳۷۹: ۲).

نظم اجتماعی به معنای اطاعت تمامی اعضای یک جامعه از هنجارها، ارزش ها و قوانینی است که اساس قوام جامعه را تشکیل می دهند. به این قرار این اصطلاح را می توان به منظور مشخص ساختن مجموع نهادهای اجتماعی از این نظر که در جهت عملکرد مطلوب حیات اجتماعی و مناسبات اجتماعی بخوبی تنظیم شده اند، به کار برد. علاوه بر این، مفهوم نظم اجتماعی می تواند بطور مستقیم، هماهنگی، تعادل و انسجام روابط اجتماعی را برساند که مجموع افراد جامعه را از طریق فعل و انفعال ساز و کارهای اقتصادی سیاسی، به سوی زندگی مشترک جلب کند و خواست گذران حیات در جمع را پدید آورد (بیرو، ۱۳۶۷: ۳۶۸).

اگرچه مردم در اکثر جوامع خواهان نظم هستند شاید هم هیچ نوع نظم را به هیچ بهایی نپذیرند اما این به تنهایی نمی تواند دلیل کافی بر این باشد که ما مسئله نظم را به عنوان مسئله محوری تحقیقات تئوریکی خود قرار دهیم. بلکه اگر ما به این کار دست می زنیم، به دلایل ذیل است: اولاً، نظم خود وضعیت مثبتی است که مفهوم متضاد آن تنها در مقایسه با آن قابل درک و فهم است، ثانیاً تفکرات جامعه انسانی نظم را مسلم فرض می کند، ثالثاً، نظم اجتماعی یک مسئله غامض و پیچیده ای است که نمی توان به سادگی از وجود آن در جامعه ای اطمینان حاصل کرد،

رابعاً، تحقیق در مسئله نظم ماهیت بی‌نظمی را در جنبه‌های مختلف خود به روشنی بیان می‌دارد (کوهن، ۱۳۸۱: ۴۱).

۱-۴-۱-۱ جنبه‌های نظم اجتماعی

اصطلاح نظم اجتماعی می‌تواند مفاهیم مختلفی را بیان دارد. نخستین مفهوم آن وجود کنترل در جامعه و یا مهار آن است، ممانعت از هرگونه رفتار آبی و ناگهانی، یا دقیقتر، کنترل هر حرکت خشونت‌آمیز در زندگی اجتماعی. دومین مفهوم آن به وجود کنش و واکنش‌های متقابل یا تأثیر متقابل در زندگی اجتماعی دلالت دارد: رفتار هر فرد نه تصادفی^۱ و نه اتفاقی است، بلکه در یکدیگر تأثیر متقابل داشته و مکمل همدیگرند. مفهوم سوم به عامل قابلیت پیش‌بینی^۲ در زندگی اجتماعی اطلاق می‌شود: مردم تنها هنگامی وارد کنش اجتماعی می‌شوند که بدانند چه انتظاراتی از یکدیگر دارند. اگر این انتظارات قرار است که برآورده شود، آنگاه باید تا حدی با همدیگر سازگار باشند، مفهوم چهارم که می‌تواند به مفهوم نظم اجتماعی الحاق شود، عبارتست از سازگاری^۳. پنجمین مفهوم عبارت از ثبات است. چون نمی‌توان به قابلیت پیش‌بینی و سازگاری در زندگی اجتماعی رسید مگر آنکه شکل‌های جامعه دوام داشته باشند (همان منبع، ۴۲).

۱- Random

۲-Predictability

۳- Consistency